

مسئولیت کیفری ناشی از انتقال ویروس کرونا از منظر فقه و حقوق

حسین اسماعیلی

چکیده

زمینه و هدف: هدف این پژوهش، جرم انگاری انتشاردهندگان ویروس کرونا می باشد، شیوع بیماری کرونا و نبود قانونی مشخص در این خصوص جهت جرم انگاری و کیفر دادن رفتارهای سرایت دهنده آن باعث شده است تا پناه بردن به قوانین کیفری موجود مورد توجه قرار گیرد. این پژوهش در این زمینه تنظیم شده که به بررسی جرم انتشاردهندگان ویروس کرونا بپردازد.

روش بررسی: پژوهش حاضر به صورت توصیفی تحلیلی و اجتهادی انجام شده است. موضوعاتی مانند انتقال بیماری های واگیردار، قتل عمد، شبه عمد و محاربه قابل استناد به نظر می رسد، بعد از پذیرفتن جرم انگاری رفتارهای انتقال دهنده کرونا، این پرسش مورد واکاوی گرفته است که آیا در این حوزه نیازمند قانون خاصی می باشیم یا آن که استفاده از عناوین حقوق جزای فعلی کفایت می کند؟

یافته ها: آنچه که از متون دینی استخراج شده است نشان می دهد که اگر انتقال عمدی کرونا باعث مرگ مجنی علیه شود، قابل تعقیب خواهد بود و می توان انتقال عمدی کرونا را مصداقی از عنوان کیفری ذیل ماده ۱۸۳ ق.م.ا - محاربه و افساد فی الارض - به شمار آورد. به نظر می آید تصویب قانون مشخص می تواند بر واضح شدن عمل کرد حقوقی آن، بیافزاید. این پژوهش به بررسی عناوین کیفری متفاوتی پرداخته است.

نتیجه گیری: یافته های این پژوهش نشان داد اگر کرونا به عنوان ابزاری جهت کشتن دیگری مورد استفاده قرار گیرد، استفاده از عنوان کیفری قتل عمد میسر است. اگر بدون قصد کشتن و بدون آگاهی از وضعیت مسری بودن فرد صورت پذیرفته باشد، ولی وضعیت شخص به گونه ای است که توجه دارد حامل بیماری کرونا می باشد، ماده قانونی راه جلوگیری از بیماری های واگیردار مصوب مجلس رعایت می شود.

کلمات کلیدی: انتقال بیماری، جرم انگاری، کرونا، قتل عمد، محاربه

مقدمه

یکی از بیماری‌های نو پیدای روزگار ما بیماری کرونا می‌باشد، که از بیماری‌های مسری و واگیردار محسوب می‌شود، باید برای انتقال‌دهندگان آن چاره اندیشی کرد، که کیفر انتقال‌دهندگان آن چه خواهد بود؟ از آن رو که این بیماری نوظهور است و قانون خاصی برای مجازات و کیفر دادن انتقال‌دهندگان آن به شکل عمد یا غیرعمد، بصورت مدونی وجود ندارد، باید از قوانین کلی استفاده کرد که کیفر دادن انتقال‌دهنده این بیماری، زیرمجموعه‌ای آن قوانین آورده شود، اگر کسی عالم باشد به این که حامل این ویروس است و دستورالعمل‌های بهداشتی را رعایت نکرده و باعث سرایت این بیماری به دیگران شده، مجازات می‌شود در صورت عمد و غیرعمد کیفر می‌بیند. اگر چه جرم‌انگاری رفتارهای انتقال‌دهنده کرونا بهترین راه مطلوب برای جلوگیری از گسترش آن بحساب نمی‌آید؛ اما در برخی شرایط به ویژه زمانی که بیمار با عمل عمدی خود سبب مبتلا شدن دیگری را فراهم می‌آورد رهگشا و دارای تأثیر خواهد بود، پس از قبول جرم‌انگاری رفتارهای انتقال‌دهنده کرونا، به نظر ما تصویب قانون خاص بر این موضوع می‌تواند به روشن شدن ابعاد فقهی و حقوقی آن کمک کند.

پیشینه پژوهش

درارتباط با بیماری‌های مسری همانند بیماری کرونا، پژوهش‌هایی انجام شده است که هر کدام این بیماری را از منظر خاصی مورد بررسی قرار داده‌اند به عنوان مثال؛ پژوهش (۱) شیوه مواجهه حقوق بین الملل با بحران ناشی از کرونا را مورد بررسی قرار داده که حقوق بین الملل تا چه حد برای مقابله با بحران‌های بین المللی و حفظ کرامت آدمیان کارآمد است. در مقاله‌ای دیگر (۲) با عنوان «هنجارهای حقوقی فقهی کرونایی مبانی مشروعیت هنجارها و خاستگاه کانونی هنجار سازان»، عنوان شده آنچه که به ستاد ملی کرونا مشروعیت بخشیده عمدتاً ضرورت و اضطرار است؛ عناوین ثانوی و برخی قواعد حاکم دیگر مثل قاعده لاضرر قواعد ثانویه هستند که باعث انعطاف پذیری

نظام‌های حقوقی با شرایط جدید می‌شوند، مدیریت کرونا اثبات کرده وحدت دولت برای اداره کشور یک ضرورت است. در پژوهشی دیگر (۳) نحوه عملکرد و مسئولیت دولت در جبران خسارت‌های ناشی از بحران کووید ۱۹ مورد بررسی حقوقی قرار گرفته است. احسانی فر در مقاله‌ی خود (۴) بیان کرده اقتضائات حاصل از قاعده مزبور در حوزه‌های فردی اجتماعی و حکومتی با دو رویکرد مطرح می‌شود، نخست دفع ضرر محتمل از خود و دیگری، دفع ضرر محتمل از دیگران. فیروزآبادی (۵) در پژوهش خود با توجه به مستندات فقهی قاعده تحذیر از فعالیت مَحذَرالغاء خصوصیت شده و نظریه کفایت عملیات تحذیر، از جانب هر کسی در رفع ضمان پذیرفته شده است. در مجموع مقاله حاضر از نظر فقهی و حقوقی بیماری‌های مسری مانند کرونا را مورد بررسی و ارزیابی قرار داده است، دیدگاه فقها و حقوق دانان را بیان کرده، با استناد به قواعد کلی از قبیل عنوان محاربه، قتل عمد، و شبه عمد و با توجه به روایات وارد شده از طرف معصومین (علیهم السلام) نسبت به بیماری‌های مسری که در زمان آنان بوده است، و دستوراتی که برای آن بیان کرده‌اند، و هم از نظر قوانین مصوبه مجلس شورای اسلامی، قوانین قدیم و جدید، و جریمه‌های حد فساد در زمین، مورد بررسی قرار گرفته است، بنظر می‌رسد در نوع خود نوعی جامع‌نگری در آن نسبت به مقالات یاد شده، وجود داشته باشد. در ماده ۲۲ قانون شیوه‌ی جلوگیری از بیمارهای آمیزشی و واگیردار مصوب ۱۱ خرداد ۱۳۲۰ مشخص شده: «اشخاصی که مانع اجرای مقررات بهداشتی می‌شوند یا در اثر غفلت باعث انتشار یکی از بیماری‌های واگیردار می‌شوند به هشت روز تا دو ماه حبس تأدیبی و ۵۱ تا ۵۰۰ ریال و یا به یکی از این دو کیفر محکوم می‌شوند». در سال ۱۳۲۰ بیماری واگیرداری در جامعه فراگیر شده بوده که قانون‌گذار آن زمان برای جلوگیری از شیوع آن و مقابله با انتشار دهندگان، جرم انگاری کرده است اکنون مساله این است آیا قانون مذکور نسخ شده یا خیر؟ در پاسخ باید بررسی شود که آیا با تصویب قوانین جدید، قانون قبلی نسخ شده است یا خیر؟ در قانون تدوین مصوب ۲۵ خرداد ۱۳۸۹ و دستورالعمل اجرائی

بیماری واگیر دار کفایت می‌کند. غفلت در حقوق جزا به مفهوم بی احتیاطی و بی‌مبالاتی در رفتار است و قانون‌گذار به علت اهمیت موضوع مال یا جان مورد حمایت، صرف تحقق «غفلت» در از بین رفتن آن را برخلاف عمده جرائم که تحقق آن منوط به وجود سوء نیت عام و فعل عامدانه است، کافی دانسته است. (مانند جرم ۵۹۸ اهمال در تضییع اموال دولتی) این جرم می‌تواند توسط شخص حقیقی و حقوقی واقع گردد و نیز می‌تواند علیه سلامت و بهداشت فرد خاص یا اعضای جامعه محقق گردد و عمومی بودن آن شرط تحقق جرم نیست. در نهایت این‌که تشخیص محقق شدن غفلت در انتشار بیماری واگیردار بعهد وزارت بهداشت نیست چه بسا وزارت بهداشت ممکن است متهم غفلت در انتشار بیماری واگیردار باشد خلاصه ماده ۶۶۸ قانون تعزیرات در مقام نسخ ضمنی ماده ۲۲ قانون موصوف نیست. در ماده ۳ قانون وصول برخی درآمدهای دولت مصوب ۱۳۷۳ مقرر گردیده محاکم مکلفند بجای مجازات کمتر از سه ماه حبس از مجازات جزای نقدی استفاده کنند و الزام به استفاده از مجازات‌های جایگزین زندان به مفهوم نسخ ضمنی قانون موصوف نیست. حال باید بررسی گردد که آیا قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قانون جلوگیری از بیماری‌های واگیردار مصوب ۱۳۲۰ را نسخ ضمنی کرده است یا خیر؟ در ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مجازات‌ها به چهار قسم: حد، قصاص، دیه و تعزیر تقسیم شده است در بند «پ» ماده ۲۹۱ قانون موصوف یکی از مصادیق «جنایت شبه عمدی» را چنین تعریف کرده است: «هرگاه جنایت به سبب تقصیر مرتکب واقع شود مشروط بر این که جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایت عمدی نباشد». در ماده ۴۹۳ قانون مجازات اسلامی مقرر شده است: «وجود فاصله زمانی، میان رفتار مرتکب و نتیجه ناشی از آن، مانع از تحقق جنایت نیست مانند فوت ناشی از انتقال عامل بیماری کشنده، که حسب مورد موجب قصاص یا دیه است. حکم این ماده و (ماده ۴۹۲) این قانون در مورد کلیه جرائم جاری است. با ملاحظه صراحت مواد مذکور اگر در اثر «تقصیر» شخصی، فرد یا افرادی مبتلا به ویروس کرونا شده و موجب

آن مصوب ۱۰ مرداد ۱۳۸۹، قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و واگیردار مصوب ۱۱ خرداد ۱۳۲۰ جزء قوانین نسخ شده به حساب نیامده است. در سال ۱۳۴۶ و با اصلاحات بعدی آن قانون‌گذار به منظور جلوگیری از آلوده کردن و فساد و ارتکاب تقلب در مواد خوراکی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی، جرم انگاری کرده که موضوع این قانون هم منصرف از موضوع قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های واگیر دار مصوب ۱۳۲۰ بوده که نسخ ضمنی از آن برداشت نمی‌شود، در سال ۱۳۷۴ به جهت مبارزه با آلوده‌کنندگان هوا از راه وسایل نقلیه و کارخانه‌ها و کارگاه‌ها هم قانون گذار جرم انگاری کرده که موضوع این قانون با قانون موضوع بحث منصرف بوده و از این قانون هم نسخ ضمنی برداشت نمی‌شود؛ در ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ مشخص شده است: «هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی، یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیر بهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زاید، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه‌ها، زباله در خیابان‌ها و کشتار غیر مجاز دام، استفاده غیر مجاز فاضلاب خام یا پساب تصفیه خانه‌های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می‌باشد و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند؛ به حبس تا یک‌سال محکوم خواهند شد» (۶). در تبصره ۱ ماده ۶۸۸ اصلاحی مصوب ۱۳۷۶ مقرر گردیده تشخیص اقدام علیه بهداشت عمومی بعهد وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی است برای تحقق جرم مذکور شروط زیر لازم است:

۱. اقدامات و اعمال باید تهدید آمیز باشد، یعنی نیاز به تحقق نتیجه نیست.
۲. با توجه به افعال متعددی که در تمثیل‌های ماده ۶۸۸ ذکر شده این اقدامات و افعال باید عالمانه و عامدانه باشد.
۳. اقدامات تهدید آمیز باید علیه «بهداشت عمومی» شناخته شود.
۴. وفق تبصره یک ماده ۶۸۸ «تشخیص» اقدامات علیه بهداشت عمومی با «وزارت بهداشت» است.

حال آن که در ماده ۲۲ قانون روش جلوگیری از بیماری‌های واگیردار، برای تحقق این جرم صرف تحقق «غفلت» در انتشار

«محرابه» و یا «افساد فی الارض» به حساب آورد، اما موضوعی که مورد توجه است مربوط به وضعیتی است که شخص یا گروهی، با شیوع ویروس کرونا و پخش آن در بین مردم، تلاش در گرفتار کردن کشور به این بیماری مسری داشته و هدفی جز اخلال در امنیت عمومی جامعه اسلامی را ندارند. این گونه کارها که ممکن است با انگیزه تضعیف حاکمیت نظام اسلامی و به وجود آوردن مشکلات فراوان و یا به انگیزه سود و تجارت به وجود آید می‌تواند از راه‌های متفاوتی صورت گیرد. در این گونه موارد این سؤال پیش می‌آید که آیا می‌توان این گونه افراد را در صورتی که بطور عمد اقدام به این عمل می‌کنند از این جهت که «محراب» و یا «مفسد فی الارض» هستند مجازات کرد یا نه؟ در قانون مجازات اسلامی، باب هفتم از کتاب حدود، با عنوان «محرابه» و «افساد فی الارض» ماده ۱۸۳ ق.م.ا بیان شده است: «هر کس که برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم، دست به اسلحه ببرد، محراب و مفسد فی الارض می‌باشد».

بررسی فقهی

برخی از فقها از جمله شهید اول، مرحوم عاملی، و مرحوم کاشف الغطا و صاحب جواهر که نظر آنها در ادامه بحث خواهد آمد، بحثشان را در این موضوع ذیل آیه «انما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فسادا...» (مائده، ۳۳) بیان کرده‌اند. «محرابه» بر وزن مفاعله و از ریشه «حرب» به معنای نبرد و جنگ است راغب در مفردات الفاظ القرآن آورده: «الحرب السلب فی الحرب ثم قدیسمی کل سلب حربا...» (۷). جنگ به معنای نیستی است؛ گاهی هرنیستی و نابودیی جنگ، محراب را از این جهت محراب نامیده‌اند که محل جنگ باشیطان است؛ معنای اصطلاحی آن نیز بی‌ارتباط با معنای لغوی آن نیست. این اصطلاح در بین فقها دارای معنای مشخصی است. شهید اول در کتاب لمعه می‌فرماید: «محرابه به معنای کشیدن اسلحه در خشکی یا دریا، در شب یا روز، در شهر یا خارج از شهر، به واسطه زن یا مرد، به جهت ترساندن مردم. چه کشیدن اسلحه به وسیله فرد ضعیفی باشد و یا قوی» (۸). طبق نظر فقها، عنوان «محرابه» در جایی

فوت یا نقص عضو یا منافع شخص یا اشخاصی گردد، مرتکب مقصر، مسئول جبران دیه فوت یا نقص عضو یا منافع شخص یا اشخاص مبتلا به ویروس کرونا می‌باشند بنظر می‌رسد مطابق قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اگر غفلت در انتشار ویروس کرونا موجب تحقق جنایت علیه نفس و نقص در اعضا و منافع شخصی گردد، در این صورت قانون مجازات اسلامی موجب نسخ ضمنی ماده ۲۲ قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های واگیردار مصوب ۱۳۲۰ گردیده و در غیر آن یعنی اگر موجب جنایت نگردد ولی شخصی را مبتلا کرده و گرفتار معالجه و درمان آن نماید، مطابق قانون موصوف قابل تعقیب کیفری و مجازات است و بابت هزینه‌های متعارف معالجه و درمان آن مقصر مسئول جبران آن می‌باشد. با عنایت به قوانین استنادی بویژه ماده ۲۲ قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های واگیر دار مصوب ۱۳۲۰ و مواد ۲۹۱ و ۴۹۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اگر اشخاصی با غفلت خویش موجب ورود ویروس کرونا شده و یا اینکه با علم به ابتلای فرد یا شهری در پیشگیری و جلوگیری از شیوع آن علی‌رغم داشتن وظیفه قانونی کوتاهی و غفلت کرده‌اند و یا شخصی علی‌رغم علم و اطلاع به ابتلای ویروس کرونا بعلت غفلت در پیشگیری آن موجب تلف جان و مال مردم شده است، علاوه بر مسئولیت کیفری شخصی که عامل بیماری کشنده بوده، سایر اشخاص مذکور نیز به عنوان مسئولین حفظ سلامت بهداشت افراد و جامعه مستوجب تعقیب کیفری و جبران خسارات وارده به مبتلایان ویروس کرونا هستند. البته مجازات مندرج در ماده ۲۲ قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های واگیردار مصوب ۱۳۲۰ با توجه به وسعت زیان‌بار بودن ویروس کرونا در جامعه امروزه، مناسب مرتکبین آن نبوده و پیشنهاد می‌گردد نمایندگان مجلس نسبت به اصلاح قانون مذکور در راستای حفظ سلامت و بهداشت جامعه اقدام نمایند.

جریمه‌های حدی

فساد در زمین

در حالت عادی شاید نتوان انتقال ویروس کرونا را مصداق کار

صدق می‌کند که کار شخص باعث اختلال در امنیت حکومت اسلامی و از بین رفتن نظم جامعه گردد. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، ذیل بحث در آیه ۳۳ سوره مائده، در این رابطه بیان می‌فرماید: «...منظور از «محرابه» و فساد به گونه‌ای که از ظاهر آیه بر می‌آید اختلال در امنیت جامعه است شامل چاقو کشی نمی‌شود که بر روی فرد مشخصی چاقو کشیده است و او را تهدید می‌کند. برای آن که امنیت جامعه زمانی دچار مشکل می‌شود که ترس عمومی و ناامنی بجای امنیت قرار گیرد» (۹). پس در مجموع می‌توان گفت که محارب کسی است که به گونه‌ای، به نبرد با حکومت اسلامی و ایجاد اختلال در امنیت عمومی پرداخته است. به نظر بعضی از اساتید منظور از اسلحه در ماده ۱۸۳ ق.م.ا آن چیزی است که برای جنگیدن به کار رود و در معنای آن نیز باید به عرف مردم رجوع کرد. عرف نیز سلاح را اعم از سرد و گرم می‌داند. براساس این نظر وسایلی هم‌چون عصا، بیل، سنگ، داس، آتش زدن و ادویه‌جاتی مانند فلفل و اعمالی مثل اخذ بالقوه از شمول عنوان اسلحه و در نتیجه «محرابه» خارج می‌شوند (۱۰). پس در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که محارب کسی است که به گونه‌ای، به نبرد با حکومت اسلامی و ایجاد اختلال در امنیت عمومی پرداخته است یکی از مصادیق آن می‌تواند انتشار بیماری‌های واگیردار در جامعه مانند بیماری کرونا باشد.

بررسی حقوقی

در جمع بندی و با توجه به بحث‌های مطرح شده و با عنایت به مواد قانونی ذکر شده، به نظر می‌رسد که می‌توان حکم مسأله را در موضوع مورد بحث یعنی انتشار عمدی ویروس کرونا جاری دانست. که اگر فرد یا گروهی جهت برهم زدن امنیت عمومی و اختلال در نظم اجتماعی و تضعیف حکومت اسلامی، فضای ترس و وحشت را در جامعه ایجاد کنند، مجازات چنین اشخاصی از جهت محارب و مفسد فی الارض صحیح می‌باشد آن‌چه که بطور یقین باید گفت این‌که قید «تجرید السلاح» در آیه «انما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله...» که دلیل فقها در بحث «محرابه» قرار گرفته است، بیان نشده و

توجه به آن به دلیل روایات وارد شده در تفسیر این آیه می‌باشد، شهید ثانی نیز در کتاب شرح لمعه بعد از تعریف محارب می‌فرماید: «شرط ظاهر کردن اسلحه بجهت صادق بودن عنوان محاربه تنها به دلیل پیروی از روایاتی است که در آن‌ها به این موضوع اشاره شده است و گرنه بهتر آن است که ظاهر کردن اسلحه برای محقق شدن محاربه شرط به بحساب نیاید». این بیان شهید ثانی به این جهت است که قید سلاح و اعتبار آن به پیروی از روایت است که در آن این گونه وارد شده باید بگوئیم که بهتر این است که در محقق شدن «محرابه»، ظاهر کردن اسلحه معتبر نیست و به تعبیر دیگر وجود سلاح هیچ نقشی ندارد (۱۱). علامه حلی نیز در کتاب «قواعد الاحکام» این نظر را بیان کرده است (۱۲). با توجه به اینکه انتشار دهندگان بیماری‌های مسری از جمله کرونا قصد گرفتار کردن دیگران را دارند اگر قصد عمدی داشته باشند؛ مصداق محارب و مفسد فی الارض را پیدا کرده همان مجازاتی که برای آنان مقرر شده در قانون برای این موارد هم می‌توان اعمال کرد. اگر فردی بداند کرونا دارد، براساس نظر پزشک نیاز به بستری شدن داشته باشد، از بستری شدن خودداری کند یا افرادی از تزریق واکسن اجتناب خودداری کنند، یا کسانی که در فضای مجازی تبلیغ عدم تزریق می‌کنند، یا شایعه پراکنی می‌کنند، یا تاخیر دولت در ورود واکسن، که باعث مرگ افرادی شود، در صورتی که عمدی باشد این کارها، هم باید مجازات شوند؛ به عنوان قتل عمد هم باید خساراتی که از این جهت متوجه آسیب دیده شده است، را جبران کنند. ولی اگر این موارد ذکر شده سهوی بوده مجازاتی از قبیل اعدام متوجه او نمی‌شود ولی باید خساراتی که از طرف متوجه آسیب دیده شده است را بپردازد طبق قاعده اقدام. «هرگاه فردی با آگاهی کاری را انجام دهد که باعث ورود زیان توسط دیگران به او گردد وارد کننده زیان که شخص دیگری است مسؤل خسارت نخواهد بود. فقهاء عدم مسوولیت وارد کننده زیان را مستند به اقدام وی دانسته‌اند» (۱۳). از این قاعده در فقه به عنوان «قاعده اقدام» یاد می‌شود. در جایی که شخص بصورت عمد و علم خود

«هرکس بدون مجوز قانونی ... فعلی انجام دهد که موجب زیان دیگری شود، ضامن است». لیکن در حالتی که فعل مشروع باشد نظیر دفاع مشروع، در صورتی که سبب خساراتی گردد، مسئول خسارت نمی‌باشد با همان گونه که ماده ۱۵ قانون مسئولیت مدنی نیز به آن صحه می‌گذارد.

رابطه سببیت:

صرف وجود ضرر و ارتکاب عمل نامشروع سبب جبران خسارت نمی‌گردد و باید میان ضرر وارده، عامل و فعل زیان بار، رابطه سببیت احراز گردد. به نحوی که عرف نیز به آن شهادت دهد.

۲. اگر انتقال عمدی کرونا باعث مرگ مجنی علیه نشود ولی منجر به بستری وازکار افتادگی اوشود تکلیف چیست؟ ماده ۳۲۸ قانون مدنی، که عامل زیان را چه در ایجاد خسارت تقصیر نداشته یا داشته باشد، مسئول و ضامن جبران خسارت تلقی می‌کند، می‌توان ماده مذکور را بر اساس نظریه‌ی خطر، تفسیر نمود. به موجب نظریه خطر، جهت مسئول تلقی کردن فرد، احتیاجی نیست که در انجام عمل خسارت بار، مرتکب تقصیری گشته باشد، بلکه همین که از عمل خطر آفرین وی خساراتی به وجود آید، چه در انجام آن عمل مرتکب تقصیر گشته شده یا نگشته باشد، مسئول بوده و باید خسارت وارده را جبران نماید.

۳. اگر انتقال ویروس باعث مرگ مجنی علیه شود آیا فرد انتقال دهنده مجازات می‌شود؟

- نظریه تضمین حق

بر اساس نظریه مذکور، هر فرد در جامعه حق دارد که ایمن و سالم زندگی نماید و از اموال خود سود جوید. این حق به سبب مقررات که حمایت شده است و ضمانت اجرای حمایت مذکور، مسئولیت مدنی متجاوز می‌باشد؛ همه وظیفه دارند که به حقوق سایرین احترام گذارند و ایمنی سایرین را به خطر نیندازند. همین که حقی زایل شود، باید به وسیله تلف کننده آن جبران گردد (۱۵).

۱. اگر انتقال کرونا بدون قصد کشتن و با آگاهی از وضعیت انتقال دهنده بودن فرد صورت پذیرفته باشد، تکلیف چیست؟

باعث مرگ خویش را فراهم آورده و یا انجام آن را بواسطه فردی دیگر فراهم آورد، همین موضوع جاری است. فقها در بیان این موضوع از مثال دادن غذای مسموم به مجنی علیه استفاده می‌کنند. صاحب جواهر در این مورد می‌فرماید: «اگر شخصی در مقابل دیگری غذای مسمومی را قرار دهد که سم موجود در آن کشنده باشد و فرد، قصد کشتن او را داشته یا آن که خوردن غذا باعث بیماری او شده و به واسطه آن بمیرد، اگر مصرف کننده ممیز و هر چند غیر بالغ، از وجود سم در غذا آگاه باشد در این صورت بدون هیچ‌گونه تردیدی، فقها حکم به جایز نبودن قصاص یا دیه برای تقدیم کننده غذا صادر کرده‌اند علت چنین حکمی این است که مصرف کننده با علم به مسموم بودن غذا و بعد خوردن آن، خود مباشر قتل خود بحساب می‌آید نه تقدیم کننده غذا، این کار مانند آن است که کسی چاقویی را به دیگری بدهد تا او خودش را بکشد که در این صورت فقط مباشر قاتل بحساب می‌آید» (۱۴).

سوالاتی در این جا قابل طرح است که باید به آنها پاسخ داده شود.

۱. آیا می‌شود از خروج بیمار مبتلا به کرونا از مراکز درمانی و قرنطینه به صورت ترخیص با رضایت او جلوگیری کرد؟

- ارکان مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی در اصل ناشی از بی‌مبالاتی افراد است اما جهت تحقق مسئولیت مدنی وجود سه رکن لازم می‌باشد.

۱) وجود ضرر:

هدف از مقررات مسئولیت مدنی، جبران زیان است بنابراین وجود زیان به شکل طبیعی مقم بر جبران آن می‌باشد. در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی در این خصوص چنین مقدر گشته است. «هرکس بدون مجوز قانونی ... لطمه‌ای وارد کند که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد».

۲) ارتکاب فعل زیان بار یا نامشروع:

ایراد ضرر به دیگری باید با فعل نامشروع صورت گیرد، تا قابل جبران گردد، در این خصوص نیز ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مقرر کرده است:

در ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مجازات‌ها به چهار قسم: حد، قصاص و دیه و تعزیر تقسیم شده است. در بند «پ» ماده ۲۹۱ قانون موصوف یکی از مصادیق «جنایت شبه عمدی» را چنین تعریف کرده است: «هرگاه جنایت به سبب تقصیر مرتکب واقع شود مشروط بر این که جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایت عمدی نباشد». در ماده ۴۹۳ قانون مجازات اسلامی مقرر شده است: وجود فاصله زمانی، میان رفتار مرتکب و نتیجه ناشی از آن، مانع از تحقق جنایت نیست مانند فوت ناشی از انتقال عامل بیماری کشنده، که حسب مورد موجب قصاص یا دیه است. حکم این ماده و (ماده ۴۹۲) این قانون در مورد کلیه جرائم جاری است. با ملاحظه صراحت مواد مذکور اگر در اثر «تقصیر» شخصی، فرد یا افرادی مبتلا به ویروس کرونا شده و موجب فوت یا نقص عضو یا منافع شخص یا اشخاصی گردد، مرتکب مقصر، مسئول جبران دیه فوت یا نقص عضو یا منافع شخص یا اشخاص مبتلا به ویروس کرونا می باشند. بنظر می رسد وفق قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اگر غفلت در انتشار ویروس کرونا موجب تحقق جنایت علیه نفس و نقص در اعضا و منافع شخصی گردد، در اینصورت قانون مجازات اسلامی موجب نسخ ضمنی ماده ۲۲ قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های واگیردار مصوب ۱۳۲۰ گردیده و در غیره آن یعنی اگر موجب جنایت نگردد ولی شخصی را مبتلا کرده و گرفتار معالجه و درمان آن نماید، مطابق قانون موصوف قابل تعقیب کیفری و مجازات است و بابت هزینه های متعارف معالجه و درمان آن مقصر مسئول جبران آن می باشد.

اسباب برطرف کننده مسئولیت کیفری بوجود آمده از انتقال کرونا با استناد به قواعد فقهی موجود

از جمله ادله که می توان برای این موضوع آورد تعدادی از قواعد فقهی است از جمله:

قاعده «وجوب دفع ضرر محتمل»

«وجوب دفع ضرر محتمل» از قواعد عقلی است، که آن عبارت است از دفع ضرر محتمل یا مظنون با توجه به اینکه این قاعده

یک حکم عقلی و در زمره مستقلات عقلیه است، مانند دیگر قواعد عقلی آبی از تخصیص و تقیید است (۱۶). واژه «دفع» در قاعده وجوب دفع ضرر محتمل گویای آن است که ماده «ضرر» را پیش از آنکه مقتضی ضرر بتواند در ایجاد مقتضا اثرگذار بیدقلم کرد، نه آن که پس از ایجاد ضرر به رفع آن اقدام کرد. تفاوت دو واژه «دفع» و «رفع» در همین نکته است. دفع جلوگیری کردن از حدوث مقتضاست و رفع جلوگیری کردن از بقا و استمرار مقتضا پس از حدوث مقتضا - می باشد (۱۷). درمتون فقهی رفع منکر واجب دانسته شده است (۱۸). مقتضای دفع در قاعده مزبور آن است که از اصل سرایت بیماری مسری جلوگیری شود و دلیل اصلی این قاعده بستن راههای انتقال و جلوگیری از سرایت است هر کاری که احتمال سرایت بیماری است براساس قاعده باید ممنوع شود. در این موضوع اگر فردی اقدام به کاری کند و طرف را از بیماری واگیردار خود با خبر کند ولی مجنی علیه با علم به موضوع، آگاهانه به استقبال خطر رفته و در نتیجه، اسباب ابتلاء خود را فراهم نماید، آن گاه می توان بنا بر قاعده اقدام، عمل فرد را اضرار به خود و اتلاف نفس خویش به شمار آورد. زیرا مباشر در اینجا سبب مؤثر در مرگ خویش بوده و در حقیقت او است که قاتل خود به شمار می آید. «اما آیا می توان عمل فرد نخست را از جهت تسهیل در مرگ مجنی علیه مصداق معاونت در قتل به شمار آورده و او را به مجازات مقرر برای معاون محکوم نمود؟ به نظر پاسخ به این سؤال منفی می باشد. اصولاً معاونت به تبع جرم اصلی مطرح می گردد و از آن جا که خودکشی در قانون مجازات اسلامی جرم نیست، بنابراین تصور معاونت نیز در آن امکان پذیر نمی باشد» (۱۹). در اینجا لازم است به برخی از روایات اشاره شود که منع می کنند افرادی را که اگر دارای بیماری مسری هستند از خانه بیرون بروند، این دلیل بر کار حرام می باشد، که مرتکب آن مجرم است که باید به تناسب جرم ارتكابی مجازات شود. این روایات تأیید کننده اجرای قاعده وجوب دفع ضرر محتمل در مسدود کردن راههای انتقال بیماری می باشند.

« قال رسول الله: (صلى الله عليه و آله) «لا یورد ممرض علی

ابواب فقه کاربرد دارد و محتوا و مضمون آن بر این معنی استوار است که ضرر در اسلام مشروعیت ندارد و هرگونه حکمی که متضمن ضرر بر خود یا دیگران باشد در اسلام نفی شده است. برای اثبات این قاعده به ادله قرآنی، روایی و عقلی، استدلال شده است. بر اساس این قاعده، هیچ کس حق ندارد به دیگری ضرر وارد کند؛ اگرچه این اضرار برای اعمال حق خویش باشد. همچنین بر اساس برخی نظرات فقهی در مدلول این قاعده هیچ ضرری نباید جبران نشده باقی بماند؛ چراکه نتیجه نفی حکم در قاعده لاضرر، جبران خسارت در ورود ضرر است. عدالت نیز اقتضای جبران ضرر ناروا را دارد، بنابراین می‌توان این قاعده را پایه و اساس جبران خسارت در فقه اسلام و حقوق ایران و ابزار اجرای عدالت دانست در موضوع بحث این جستار نیز داشتن ارتباط با دیگران در صورتی که بیماری ویروسی واگیردار داشته باشد، چنانچه منجر به ورود زیان به دیگران شود و به جان یا سلامت او خسارتی وارد سازد، موجب ضمان ناقل خواهد بود و مطابق با قاعده مذکور نمی‌توان در اصل مسئولیت او تشکیک کرد. براساس واقعیت‌های عینی در جهان و ایران فراگیری و شیوع گسترده این ویروس موجب بیماری وفوت افراد بسیاری شده است و در کنار تلاش‌های شبانه روزی محققین و کادرهای درمانی همچنان بهترین وسیله برای کنترل این ویروس خطرناک، قطع زنجیره و رعایت فاصله اجتماعی عنوان شده که مستلزم اعمال محدودیت در فعالتهای اجتماعی و اقتصادی است لذا دولت‌ها من جمله دولت ایران اسلامی به منظور کنترل و مهار این بیماری محدودیت‌هایی را بر شهروندان تحمیل کرده‌اند که موجب تعطیلی مکاسب مختلف شده است، اما این امر خود باعث آسیب به وضعیت معیشتی طبقات متوسط و پایین جامعه می‌گردد. همچنین نمی‌توان از خسارت‌های معنوی این محدودیتها که گاهی از آن به حبس خانگی تعبیر می‌شود غافل شد. در نتیجه در جانب اعمال محدودیت‌ها نیز پای قاعده لاضرر پیش کشیده می‌شود که فرمان به رفع محدودیت‌ها می‌دهد. اینجاست که این وضعیت را باید از زاویه تراحم و براساس قواعد حاکم بر شرایط تراحم حل کرد.

مصحح پیامبر اکرم فرمود: ناقل بیماری بر شخص سالم وارد نمی‌شود. عن اسامه بن زید قال قال النبی: (صلی الله علیه و آله) «طاعون رجزارسل علی بنی اسرائیل اوعلی من کان قبلکم فاذا سمعتم به بارض فلا تقدموا علیه و اذا وقع بارض وانتم بهافلاتخرجوا فرارا منه» اسامه بن زید نقل می‌کند که پیامبر فرمود: طاعون عذابی است که بر بنی اسرائیل یا بر پیشینیان شما فرستاده شد پس هنگامی که از ورود طاعون به سرزمینی باخبر شدید با آنجا قدم نگذارید و هنگامی که در سرزمینی بودید که طاعون در آن وارد شد برای فرار از ابتلاء به طاعون از آن سرزمین خارج نشوید» (۲۰). علی بن جعفر فی کتابه عن اخیه موسی (علیه السلام) قال: «سالته عن الوباء یقع فی الارض هل یصلح للرجل ان یهرب منه مالم یقع فی مسجده الذی یصلی فیہ فاذا وقع فی اهل مسجده الذی یصلی فیہ فلا یصلح له الهرب منه». علی بن جعفر از برادرش امام کاظم (علیه السلام) چنین پرسشی را می‌نماید: سؤال کردم آیا انسان می‌تواند از شهر محل وقوع وبا فرار کند؟ امام پاسخ می‌دهند تا زمانی می‌توانند از شهر وقوع وبا فرار کنند، که وبا در مسجدی که در آن نماز می‌خواند واقع نشده باشد و اگر در میان نمازگزاران مسجدی که شخص در آن نماز می‌خواند وبا واقع شود شخص صلاحیت فرار از آن شهر را ندارد (۲۱). روایات اجازه خروج از شهر را به شخصی که بیماری مسری در محل اقامتش شایع شده نمی‌هد. این حکم به آن دلیل است که احتمال انتقال این ویروس به دیگران وجود دارد، و در نتیجه سبب انتشار این ویروس می‌گردد و این ضرری است که قاعده دفع ضرر محتمل، نهی از خروج را به وجود آورده است. و کسی که از آن تخلف کند و سبب آلوده کردن جامعه به ویروس را فراهم کند، یک جنایت بزرگ انجام داده است.

قاعده لاضرر

قاعده لاضرر به معنی نفی مشروعیت هر گونه ضرر و اضرار در اسلام است (۲۲). از این قاعده با نام‌های دیگری از قبیل قاعده ضرر و ضرار، قاعده لاضرر و لاضرار و قاعده نفی ضرر نیز تعبیر می‌شود. قاعده لاضرر از قواعد مشهور فقهی است که در بیش‌تر

تزام بین وظیفه حفظ حیات و سلامتی شهروندان از یک طرف با نفی ایراد ضرر اقتصادی حاصل از محدودیت‌ها بر بسیاری از صاحبان مشاغل از طرفی دیگر که در مرحله اجرا قابل جمع نیستند به این معنی که دولت نمی‌تواند هم زمان به هر دو عمل کند. بر اساس یافته‌های علم اصول در چنین تنگناهایی باید به مرجحات باب التزام مراجعه کرد یعنی اموری که موجب ترجیح و تقدم یک دلیل التزام بر دیگری می‌شود. این مرجحات راهنما هستند و کمک می‌کنند تا یکی را برای اجرا انتخاب کرد یکی از مرجحات باب التزام مقدم بودن احکام مربوط به حفظ جان انسانها بر حفظ مال آنان است (۲۳). چنان که قانونگذار نیز در ماده ۱۵۲ قانون مدنی همین اسلوب را در پیش گرفته تشخیص اولویت سلامتی و جان بر ضررهای مالی امری بدیهی است که عرف عموم مردم پذیرای آن هستند با این وجود در مواردی هم که احتمال اهم بودن یکی از دو حکم التزام وجود داشته باشد عقلاً باید جانب احتیاط را مراعات نموده و آن را مقدم کرد. به علاوه که هر گونه سهل انگاری یا عمد در انتقال این بیماری خود یکی از عوامل طولانی شدن محدودیتها و بالتبع ایراد ضررهای متعدد مالی و غیر مالی آحاد جامعه بویژه صاحبان مشاغل می‌شود و به بحران‌های اقتصادی دامن می‌زند که طبق ترجیح این قاعده در حوزه سلامت شهروندان نفی شده است، و بنا بر دیدگاه برخی فقها مانند شیخ الشریعه و صاحب ریاض شخص ضامن جبران خسارات وارده نیز خواهد بود. بی‌تردید عقلاء عامل زیان را مسئول جبران خسارات جانی و مالی می‌دانند.

نتیجه‌گیری

جرم‌انگاری رفتارهای انتقال دهنده ویروس کرونا، و تصویب

قانونی مشخص در این ارتباط امری لازم و ضروری است. هم اکنون و در نبود وجود قانونی خاص برای مجازات‌کردن رفتارهای انتقال دهنده کرونا، می‌شود از عنوان‌های حقوق جزای فعلی استفاده کرد. در این بین اگر انتقال کرونا باعث مرگ مجنی علیه شود، طبق مقررات مربوط به قتل عمد قابل تعقیب خواهد بود و اگر کرونا به عنوان ابزاری جهت کشتن دیگری مورد استفاده قرار گیرد، ولی نتیجه آن، خارج از اراده فاعل آن محقق نشود، استفاده از عنوان کیفری شروع به قتل عمد میسر است. اگر انتقال کرونا بدون قصد کشتن و بدون آگاهی از وضعیت انتقال دهنده بودن فرد صورت پذیرفته باشد، ولی وضعیت شخص به گونه‌ای است که باید توجه داشته باشد که داری بیماری کرونا می‌باشد و یا احتمال ابتلا به این بیماری را دارد، ماده قانونی راه جلوگیری از بیماری‌های واگیردار مصوب مجلس شورای ملی رعایت می‌شود. هم‌چنین بنا بر آنچه بیان شد این نتیجه به دست می‌آید که می‌توان انتقال عمدی کرونا را مصداقی از عنوان کیفری ذیل ماده ۱۸۳ ق.م.ا - محاربه و افساد فی الارض - به شمار آورد با توجه به مباحث بیان شده پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذار به مسائل حقوقی و اجتماعی مربوط به انتقال کرونا توجه نشان دهد. در این راستا نگاه قانون‌گذار به این موضوع، باید پیش از هر چیزی، نگاهی براساس توجه به بهداشت باشد. از این جهت قرار گرفتن مباحث همسو، ذیل مقررات مربوط به بهداشت عمومی پیشنهاد می‌گردد. البته در تصویب قانون خاص مربوط به انتقال کرونا باید تلاش شود، از نادیده گرفته شدن حقوق این افراد جلوگیری شود.

1. Beigzadeh, E., ghariseid Fatemi, S. M., Mahmoud, S., Latifian, M. Corona's dilemma in the mirror of international law. *Journal of Law Research*, 2020; 23(LAW and COVID- 19): 11-57. doi: 10.22034/jlr.2020.185072.1639
2. Simaee Sarraf, H. Legal basis of Corona Norms In law and Islamic jurisprudence. *Journal of Law Research*, 2020; 23(LAW and COVID- 19): 163-180. doi: 10.22034/jlr.2020.185099.1654
3. Mozafari, M., mirzaei moghadam, M. Review of the Legal Basis of the Government-Selected Process in Management of Covid 19. *Journal of Law Research*, 2020; 23(LAW and COVID- 19): 385-411. doi: 10.22034/jlr.2020.184981.1618
4. Ehsanifar, A. Jurisprudential and Legal Dimensions of Infectious Diseases from the Perspective of the Rule of Obligation. *Islamic Law*, 2020; 17(64): 143-172.
5. Houshmand, H. The place of the rule of warning in the elimination of civil liability due to infectious diseases. *Islamic Law*, 2020; 17(64): -.
6. Jahangir M. *Islamic Penal Code*, Tehran: Nasradidar; 2007.[Persian]
7. Ragheb, Esfahani. *Vocabulary stems from Al-Qur'an*, Najaf: Al-Maktabeh Al-Mortazawieh; 1972 [Arabic].
8. Makki Ameli Shams al-Din Muhammad. *Al-Lama Al-Damshaqiyah*, Qom: Dar al-Fikr; 1990. [Arabic].
9. Tabatabai SA. *Riaz al-Masail*, Qom: Islamic Publishing House; 1998. [Arabic].
10. Mir Mohammad Sadeghi H. *Crimes against security and public comfort*, Tehran: Mizan Publishing; 2003.[Persian]
11. Zehni Tehrani SMJ. *al-Mabahid al-Fiqhiyyah*, Qom: Vajdani Publications; 1987.[Persian]
12. Heli, HbYbMuta (Allamah). *Qa'aba al-Ahkam*, Qom: Islamic Publishing House; 1992. [Arabic].
13. Mohagheq Damad SM. *Jurisprudence Rules*, Islamic Sciences Publishing Center, Second Edition. ; 2004.[Persian]
14. Najafi MH. *Jawahar al Kalam*, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya; 1988. [Arabic].
15. Katouzian N. *General rules of contracts*, third edition, Tehran: Mezan Publishing; 1996. [Persian]
16. Lari SAH »Title of the article«, collection of articles, Qom: Institute of Al-Maarif al-Islamiya; 1997.[Persian]
17. Sobhani J. *Irshad al-Aqool to the topics of al-Asul*, written by Mohammad Hossein Haj Ameli, Qom, Imam Sadiq Institute (AS); 2003 [Arabic].
18. Ansari, Morteza. *al-Makasab*, Qom, the world commemoration of Sheikh Ansari; 1994. [Arabic].
19. Goldouzian I. *The Islamic Penal Code*, Ganj Danesh Publications; 2004.[Persian]
20. Mazandarani MS. *Abolhasan Shearani's research*, Tehran Al-Maktabeh Al-Islamiya; 1962. [Arabic].
21. Hor Ameli MIH. *Wasal al-Shia*, Qom: Al-Al-Bayt Institute; 1993. [Arabic].
22. Feyz kashani, Molla Mohsen (2010), *Tafsir Safi*, Tehran, Sadr pub.
23. Qafi, Hosein, Shariati, saeid (2018), *Osul Feqhe Karbordi*, Tehran, Samt pub.

Criminal Liability for the Transmission of Coronavirus from the Perspective of Jurisprudence and Law

Hosain Esmaily

Abstract

Background and objective: The purpose of this research is to criminalize the spreaders of the corona virus, the spread of the corona virus and the lack of specific laws in this regard to criminalize and punish its contagious behaviors have made it necessary to take refuge in the existing criminal laws. This research is organized in this context to examine the crime of the spreaders of the corona virus.

Methods and Materials: The present research has been carried out in a descriptive and analytical way. Subjects such as the transmission of infectious diseases, intentional homicide, pseudo-intentional murder, and combative behavior can be cited. Is it a special law or is it enough to use the titles of the current criminal law? It seems that the approval of a specific law can increase the clarification of its legal practice. This research investigated different criminal titles.

Findings: What has been extracted from the religious texts shows that if the intentional transmission of Corona causes the death of an innocent person, it can be prosecuted, and the intentional transmission of Corona can be considered as a criminal offense under Article 183 of the Islamic Republic of Iran - Muharibeh and Corruption on Earth. It seems that the approval of a specific law can increase the clarity of its legal practice. This research investigated different criminal titles.

Conclusion: The research of this study showed that if it is used as a tool to kill another person, it can be considered a criminal offense of intentional homicide. If it is accepted without the intention to kill and without knowledge of the contagious condition of the person, but the condition of the person is such that he will get the disease, the legal article to prevent infectious diseases will be approved by the parliament.

Keywords: Transmission of the disease, Criminalization, Coronation, Premeditated murder, Moharebeh